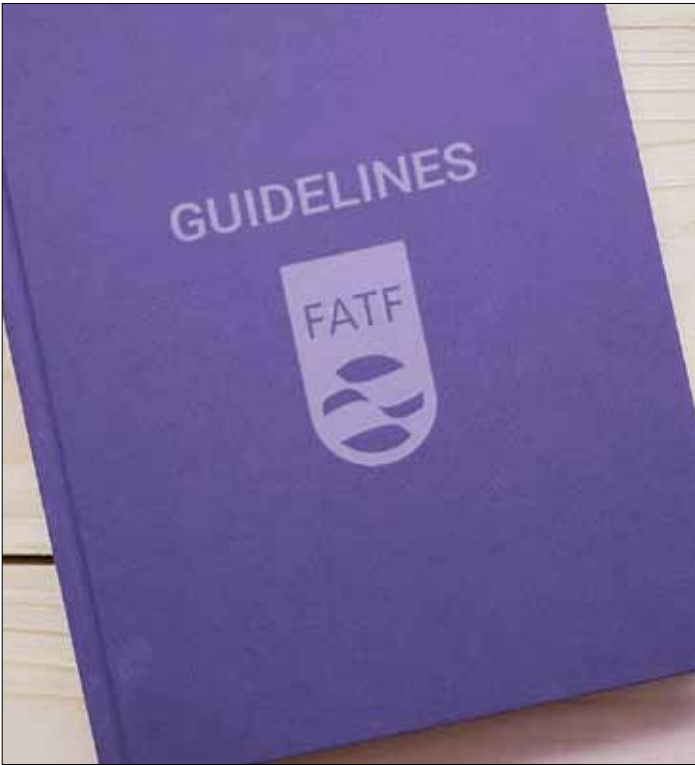




■ خرداد ۹۵ وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد، بدون هماهنگی یا اخذ مجوز از مجلس یا از شورای عالی امنیت ملی، اقدام به توافق با «گروه ویژه اقدام مالی [FATF]» (که برنامه کنترل مالی و انجام «خودتحریمی» در ایران است) کردند.

■ در این توافقنامه بین‌المللی، ایران متعهد و موظف شد ۴۱ مورد دست‌وراز گروه مذکور را که در قالب «برنامه اقدام [Action Plan]» پذیرفته بود، در

زمان‌بندی‌های مشخص به اجرا در آورد.

■ از جمله تعهداتی که در برنامه اقدام (بند ۲۹)، به

ایران تحمیل شده است؛ لزوم امضاء، تصویب و اجرای «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم»

یا ICSFT است. طبق زمان‌بندی مندرج در برنامه اقدام، ایران باید تا دی ماه ۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷) که تا

تیر ماه ۹۷ (ژوئن ۲۰۱۸) مهلت داده شده است، این

کنوانسیون را تصویب کرده و بلافاصله به اجرا در آورد.

■ در راستای اجرای توافقات شکل گرفته با «گروه ویژه

اقدام مالی FATF» در دی ماه ۹۶ لایحه الحاق به «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم»

برای تصویب در مجلس شورای اسلامی مطرح شد.

■ پس از افشای توافقی شکل گرفته با «گروه ویژه اقدام

مالی FATF» در رسانه‌ها، وزرای خارجه و اقتصاد

و رئیس بانک مرکزی ۱۲ مرداد ۹۵، به خاطر اینکه

«اقدام به توافقی کرده‌اند که در صلاحیت دستگاه‌های

دیپلماتی و اقتصادی بوده و جنبه‌های متعدد سیاسی

و امنیتی آن را در توافقی در نظر نگرفته بودند، مورد

توبیخ قرار گرفتند.»

■ گروه ویژه اقدام مالی بر اساس توصیه شماره ۳۶ خود،

ایران را موظف کرده است به کنوانسیون مقابله با تأمین

مالی تروریسم بپیوندد.

■ الحاق، پیوستن و اجرای «کنوانسیون بین‌المللی

مقابله با تأمین مالی تروریسم ICSFT» از مطالبات

اصلی FATF از ایران بوده که در برنامه اقدام نیز به

صراحت آمده و در بیانیه اخیر گروه نیز بر آن تأکید

شده است.

■ لایحه دولت برای الحاق به این کنوانسیون را نمی‌توان

جدا از انجام در خواسته‌ها و الزامات FATF دانست و

بیان این مطلب که «این لایحه به FATF ربطی ندارد»،

کاملاً نادرست و خلاف واقع است.

■ بر دولت نیز آشکار شده الحاق به این کنوانسیون برای

«هفته‌های آزادی‌بخش و مبارزات گروه‌های مقاومت و

ایران» مشکلات متعدد ایجاد خواهد کرد و برای رفع

آن، متوسل به اعلامیه تفسیری شده و اعلام کرده است:

«دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد مبارزات

مشروع مردمی علیه سلطه استعماری و اشغال خارجی

در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت که به عنوان

یک اصل حقوق بین‌الملل عمومی به رسمیت شناخته

می‌شود، در چارچوب مصادیق اعمال تروریستی مندرج

در جزء «ب» بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون نخواهد بود.»

لیکن این اعلامیه تفسیری، فاقد آثار حقوقی لازم

بوده و صرفاً تفسیر و نظر ایران را مطرح می‌کند، در

صورتی که کشورهای غربی، کاملاً با این تفسیر مخالف

بوده و هستند. هدف و منظور اصلی این کنوانسیون و

کشورهای غربی ایجاد کننده، تروریستی شناخته شدن

گروه‌های مقاومت و مقابله با آنهاست.

■ اعلامیه تفسیری مذکور، یک موضع‌گیری سیاسی

برای مصرف داخلی است و از نظر حقوقی نیز نمی‌تواند

«حق شرط» یا «حق تحفظ» نسبت به تعریف تروریسم

و ماده ۲ کنوانسیون تلقی شود.

■ ماده ۲ کنوانسیون، هرگونه حق شرط یا حق تحفظ

در این زمینه را ممنوع می‌شمرد. بنابراین امکان اعلام

هیچ‌گونه شرط یا تحفظی از نظر حقوقی در این باره

وجود ندارد. بنابراین در صورت الحاق به آن، این تکالیف

کنوانسیون برای ایران لازم‌الاجرا خواهد شد و اعلامیه

تفصیلی و شرط، فاقد اثر گذاری روی تعهدات کشور

ناشی از کنوانسیون خواهد بود.

■ طبق ماده ۱۹ «کنوانسیون بین‌المللی حقوق

معاهدات ۱۹۶۹» که می‌توان گفت قانون اساسی همه

معاهدات بین‌المللی محسوب می‌شود؛ «حق شرط، حق

تحفظ یا Reservation»، در صورتی امکان‌پذیر است

که:

اولاً، آن کنوانسیون، حق شرط را منع نکرده باشد.

ثانیاً، فقط در موارد خاصی که کنوانسیون اجازه داده

باشد، شرط می‌تواند انجام گیرد.

در جلسه ۹۷/۳/۸ کمیسیون، مورد بحث و بررسی قرار

گرفت و با اصلاحاتی با اکثریت آرا به تصویب رسید.

■ در گزارش کمیسیون سه مورد جدید درج شده

است: «الف- موارد مندرج در اعلامیه تفسیری دولت را

به عنوان شرط محسوب کرده است؛ ب- دولت موظف

است به محض آگاهی نسبت به اعتراض احتمالی سایر

اطراف متعاقد، گزارشی جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به

مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید؛ ج- تبصره- دولت

صرفاً پس از خارج شدن جمهوری اسلامی ایران از

لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) می‌تواند

سند الحاق را نزد امین اسناد تودیع نماید.»

■ درباره بند الف؛ باید به اطلاع نمایندگان برساند دولت

در لایحه خود، از آن موارد به عنوان اعلامیه تفسیری

یاد کرده است، زیرا دولت و وزارت خارجه می‌دانند

کنوانسیون اجازه چنین شرط‌هایی را نمی‌دهد و لذا

از آنها به عنوان اعلامیه تفسیری نام برده است (به

دلایلی که در بندهای ۱۲ و ۱۳ بیان شد). بنابراین اقدام

کمیسیون در تغییر آنها به عنوان شرط، بر خلاف لایحه

دولت و بر خلاف کنوانسیون است که اجازه چنین

شروطی را نمی‌دهد.

■ اما درباره عبارت دوم کمیسیون، مبنی بر اینکه

«دولت موظف است به محض آگاهی نسبت به

اعتراض احتمالی سایر اطراف متعاقد، گزارشی جهت

اتخاذ تصمیم مقتضی به مجلس شورای اسلامی تقدیم

نماید»، اولاً این عبارت غلط و مبهم است، زیرا مشخص

نشده اعتراض به چه چیزی باید انجام شود تا دولت

موظف باشد به مجلس اطلاع‌رسانی کند. ثانیاً ذکر نشده

در صورت ارائه گزارش دولت، مجلس باید درباره چه

موضوعی تصمیم‌گیری کند. ثالثاً اگر منظور کمیسیون،

اعتراض به شروط مندرج در ماده واحده برای الحاق به

کنوانسیون باشد، نیز نیست منتظر بشویم تا دولت آگاه

شود و به مجلس گزارش بدهد؛ زیرا اکنون کشورهای

غربی به شروط کشورهای اسلامی که همانند ما شرط

گذاشته‌اند، اعتراض کرده‌اند و لذا شروط مذکور نزد آنها

قابل قبول نیست. از این رو اگر بناسات مجلس تصمیمی

بگیرد، همین اکنون باید تصمیم بگیرد و نیازی به انتظار

برای گزارش دولت نیست.

■ درباره عبارت سوم کمیسیون، مبنی بر اینکه «تبصره-

دولت صرفاً پس از خارج شدن جمهوری اسلامی ایران

از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) می‌تواند

سند الحاق را نزد امین اسناد تودیع کند»، این عبارت

هم غلط و مبهم است، زیرا گروه ویژه اقدام مالی

(FATF) اصالتیست سیاه ندارد که ما را از آن خارج یا

به آن وارد کند. بنابراین معلوم نیست منظور از لیست

سیاه چیست؟! دولت در چه زمانی باید سند را تحویل

بدهد یا تحویل ندهد؟! این موضوع ممکن است باعث

سوءاستفاده شود، اگر به محض تصویب کنوانسیون؛

دولت با این ادعا که ایران در لیست سیاه نیست، سند

الحاق را تودیع کند، ثمره این عبارت کمیسیون که به

دلیل تعجیل در متن پیشنهادی آمده، چه خواهد بود.

درج یا عدم درج این عبارت، چه مشکلی از کشور را

حل می‌کند؟!

■ چرا با تعجیل در تصویب کنوانسیون، باید آبروی

مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری، پایمال شود.

اعضای کمیسیون امنیت ملی باید گروه ویژه اقدام مالی

را دقیقاً مورد بررسی قرار دهند و سپس اظهار نظر کنند

اگر فرصتی را برای مطالعه می‌گذاشتند از درج این موارد

خودداری و از آبروریزی مجلس جلوگیری می‌کردند.

■ در گروه ویژه اقدام مالی، کشورها به گروه‌ها

و دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند. یک نوع

دسته‌بندی بر اساس میزان «پای‌بندی فنی

(Technical)» و «پای‌بندی فنی

دیگر دسته‌بندی بر اساس میزان «پای‌بندی موثر

(Effectiveness Compliance)» است که

هر دسته‌بندی نیز تقسیمات مختلفی دارد. بنابراین

اگر کمیسیون می‌خواهد شرطی برای دولت بگذارد،

باید مشخص کند که در چه دسته‌بندی‌ای اگر ایران

قرار گیرد، دولت از تودیع سند باید خودداری کند

یا در چه نوع دسته‌بندی اگر ایران قرار گیرد باید از

تحویل سند الحاق خودداری کند. همچنین کشورها

از یک جنبه دیگر، در نوع دیگری از دسته‌بندی نیز

قرار داده می‌شوند از جمله دسته‌بندی کشورهای

به خطر (Higher-risk countries) که اینها خود

په نوع تقسیم می‌شوند، کشورها به خطر که تحت

نظارت و شناسایی دقیق (monitoring EDD) باید

قرار گیرند و کشورهایی که باید تحت اقدامات مقابله‌ای

(counter-measures) نیز قرار گیرند. مجلس در

صورتی که قصد دارد شرطی داخلی برای دولت قرار

دهد باید با توجه به آنچه بیان شد، دقیقاً مشخص

کند که در حالتی که اگر موضوع ایران در گروه ویژه

FATF قرار گیرد، دولت اقدام کند و صرف بیان خروج

از لیست سیاهی که وجود خارجی ندارد، شرط مبهم و

غلطی بیش نخواهد بود.

■ کمیسیون مشخص نکرده در صورتی که ایران کنوانسیون را تصویب کرد و به آن ملحق شد، لیکن گروه ویژه FATF به تصمیماتش توسط کشورهای غربی گرفته می‌شود، مجدداً برای ایران مشکلات قبلی را ایجاد کرد، از عضویت ایران در کنوانسیون کان لم یکن می‌شود یا خیر؟

■ دولت و وزارت امور خارجه قبلاً مدعی بودند مشکلات

بانکی و نفتی ایران به دلیل تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه

ایران است و برای رفع تحریم‌ها و ایجاد همکاری‌های

بانکی باید با آمریکا مذاکره کرد و در زمینه هسته‌ای

به سوی راه یا چاه؟

FATF درباره نکاتی

باید امتیازاتی به آمریکا بدهیم تا مشکلات بانکی و نفتی

ایران حل شود، بر همین اساس توافق برجام انجام گرفت

ولی به رغم آن، مشکلات بانکی کماکان ادامه یافت،

دولت و وزارت امور خار جه مجدداً اظهار می‌دارند باید

امتیازات جدیدی به آمریکا داده شود تا مشکلات بانکی

حل شود، لذا بدون مجوز از مراجع ذی‌ربط به توافق با

FATF عمل و ایران را موظف و متعهد کردند تا ۴۱

مورد از دست‌ورات و خواسته‌های FATF را به عمل

آورد. از ۴۱ مورد خواسته FATF تنها ۴ مورد باقی

مانده که لوابح چهار گانه آن در مجلس مطرح است و اگر

این کنوانسیون هم تصویب شود، مشکل بانکی و عدم

همکاری بانک‌های بزرگ حل نخواهد شد، زیرا دلایل

دیگری دارد که جای توضیح آن اینجا نیست. ضمن

اینکه هم اکنون با توجه به اقدام اخیر آمریکا در خروج

از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها و تحریم‌های جدیدی

همچون تحریم رئیس کل و خود بانک مرکزی، دیگر

همکاری بانکی معنا نخواهد داشت و مشاهده می‌شود

که حتی بانک‌های کوچک و متوسط غربی در حال

قطع ارتباط خود با ایران هستند. بنابراین دادن امتیاز

جدید به غربی‌ها با تصویب این کنوانسیون، عاقلانه به

نظر نمی‌رسد. ضمن اینکه هیچ تأثیری در روابط بانکی

با ایران هم نخواهد داشت.

■ در مذکرات اخیر آقای طریف با ۳ کشور اروپایی در

۹۷/۲/۲۶، متأسفانه در بند ۹ بیانیه پایانی آن، به جای

اینکه از اروپا تضمین‌های لازم که رهبر حکیم انقلاب

بیان کرده بودند، اخذ شود؛ شرط جدیدی مواروی

برجام، برای ایران گذاشته‌اند مبنی بر لزوم گفت‌وگوی

فشرده با ایران حول محور: «ایجاد هرچه بیشتر یک

محیط تجاری شفاف و قانون‌محور در ایران» که منظور

از شفافیت، اجرای مقررات FATF و تصویب این

کنوانسیون است. در صورتی که اگر این کنوانسیون

تصویب نشود، امتیاز جدیدی به اروپا داده شده و

خواسته آنها تأمین می‌شود لیکن تیم ایرانی اهرمی در

اختیار نخواهد داشت تا بتواند گفت‌وگوها حول ۸ بند

دیگر را به نتیجه برساند. ایران پیشاپیش امتیاز داده

و یک عمل جدید مواروی برجام انجام داده ولی اروپا

صرفاً به گفت‌وگو ادامه می‌دهد(ا حقائق برای تأمین

خواسته خود آقایان، اگر می‌خواهند امتیاز جدید هم

بدهند نباید سریع انجام بدهند بلکه باید اهرمی تعبیه

کنند که اروپا در ۸ بند امتیازی بدهد و هر چند تصویب

غلط است لیکن بعداً این را تصویب کنند (تصویب را به

تاخیر بیندارند).

■ این لایحه دارای ۲ نقطه کلونی است؛ یکی مساله

تعریف تروریسم که تعیین‌کننده است و دیگری مساله

همکاری‌های قضایی میان کشورها برای مبارزه با به

اصطلاح تروریسم مورد نظر کشورهای غربی.

■ این کنوانسیون تعریفی از مفهوم «تروریسم» برمی‌آورد

تفکر غربی ارائه می‌کند که مغایر قانون اساسی ماست

و نه تنها تأمین‌کننده منافع انقلاب اسلامی ایران نیست،

بلکه قطعاً می‌تواند زمینه‌ساز تحریم‌ها و تهدیدات

امنیتی علیه کشور باشد.

■ مقدمه کنوانسیون، حتی درباره فعالیت‌هایی که ظن

و گمان می‌رود که ممکن است برای مقاصد تروریستی

مورد استفاده قرار گیرد نیز کشورها را ملزم می‌کند تا

به انجام اقدامات کنوانسیون همانند همکاری اطلاعاتی

و قضایی با سایر کشورها اقدام کنند. مانده چراغ‌اگراری را

شدیدا وسعت داده و کشور را با تبعات و مشکلات زیادی

مواجه خواهد کرد.

■ عبارت «تروریست»، «سازمان تروریستی»، «اعمال

تروریستی» و «مقاصد تروریستی» به صورت دقیق در

کنوانسیون تعریف نشده است. بنابراین برداشتها و

تفکرات غربی‌ها، مبنای تفسیر قرار خواهد گرفت.

در جزء بند یک ماده ۲ کنوانسیون، تعریفی کلی

از تروریسم ارائه شده که در آن، تفکیک میان اقدامات

و مبارزات مشروع نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های

مقاومت با گروه‌های تروریستی نشده است. لذا همه

آنها را در بر خواهد گرفت و آنها را تروریستی بر خواهند

شمرد. از جمله موارد اختلاف میان کشورهای غربی و

اسلامی، انگیزه اقدامات گروه‌ها است؛ کشورهای

اسلامی انگیزه مشروع همانند مقابله و مبارزه با

اشغالگری، مبارزه با استعمار و مبارزه با سلطه را

خارج از تعریف تروریسم می‌دانند. لیکن کشورهای

غربی کاملاً با این موارد مخالف بوده و برعکس، آنها

بر اساس اقدامات تروریستی محسوب می‌کنند. ماده ۶

کنوانسیون نیز بر اساس تفکر کشورهای غربی تنظیم

و تصریح شده است: «اعمال مجرمانه در کنوانسیون،

تحت هیچ شرایطی با ملاحظات سیاسی، فلسفی،

عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی یا دیگر انگیزه‌ها قابل

توجیه نیست» و باید تروریستی محسوب شود. این

تعریف، با سیاست‌های اصولی ج.ا.ا در حمایت از